



هفته نامه خبری حزب وحدت اسلامی افغانستان

UNIVERSITY TOWN, PESHAWAR P.O. BOX: 1073

۲ روپیه پاکستانی
۲۰۰ افغانی

۴ صفحه

محترم استاد خلیلی دبیرکل حزب وحدت اسلامی در مصاحبه با رادیو بی بی سی

بدون نظر داشت مردم ما هیچ راه حلی موفق نخواهد شد

ما بهر حال، از بروسه صلح آقای محمود مستیری حمایت میکنیم و امید داریم به نتیجه مطلوب برسیم.
 * آقای استاد ربانی همیشه وقتی در تنگنا قرار میگیرد، وعده میدهد اما شرایطی که یگانه از خود پیشتر میشود، مانع حمایت میکنند.
 * ما طرفدار جنگ نبودیم؛ مناطقی را که مربوط مردم ما بود، آزاد کردیم و از این مناطق دفاع میکنیم و در صورت لازم، تصمیم دیگری خواهیم گرفت.

باعث دیگری داشته است؟
 استاد خلیلی: نه، هیچگونه مقاومتی وجود نداشت. تمام تجهیزات نیروهای دولتی از بامیان تا منطقه کنارخال در اختیار ما قرار گرفت و افراد کمی از آنها فقط جان خود را نجات دادند، ولی ما نخواستیم از این منطقه (ص ۴)

به دنبال عقب نشینی نیروهای فاشیستی از تمام مناطق هزاره جات و قرار گرفتن مدافعین حزب وحدت اسلامی در کنارخال، محترم استاد خلیلی در مصاحبه با رادیو بی بی سی، جزئیات این پیشروی، علت توقف آن و نیز دیدگاههای حزب وحدت اسلامی را در رابطه با حل قضایای کشور توضیح نمودند:
 B.B.C: توقف پیشروی نیروهای حزب وحدت نتیجه مقاومت نیروهای دولتی بوده و



اعلامیه حزب وحدت اسلامی خطاب به ملت افغانستان

حزب وحدت اسلامی افغانستان معتقد است که هیچ گروهی به تنهایی عدالت سیاسی را در کشور به وجود نیاورده و افتخار این امر بزرگ را در تاریخ سیاسی کشور، صرفاً حضور تمام اقشار و ملیتهای ساکن در کشور میتواند نصیب شود. (ص ۴)

محترم مولوی تره خیل، د «صفحه نو» د خبریال سره په مرکه کښی:
 د موجوده مشرانو په وجود کښی سوله نشی راتلی، په افغانی قیادت او حکومت کښی هر هندو-مسلمان دبرخی حق لری (ص ۴)

تول اردوی حزب وحدت اسلامی است تجهیزات و امکانات به جا مانده از جبهه، نایستی را منتشر کرد

به دستور مقام محترم رهبری حزب، امکانات فوق همه به مشابه سرمایه ملی کشور در مراکز خاص نظامی ولایت بامیان حفظ و جا بجا شدند. ص ۴

بنام خداوند آگاهی، آزادی و برابری

فاشیزم مسعود:

گروگان گیرنده يك شهر با جمعیت آن

باشنده گان و منازل پایتخت برای رژیم فاشیستی کابل به منابه، قروغانهایی تلقی میگردند که یکی به عنوان ارزش بشری و دیگری به عنوان ارزش مدنی یک ملت بدیده شده است. سنتر گرفتن در غلب این دو ارزش انسانی و مدنی، یگانه امکان و تاکتیک برای حفظ بقای فاشیسم مسعود است.

تاکتیک برای حفظ بقای سکتاریزم فاشیستی مسعود است. گرداننده گان این میکانیزم نظامی به خوبی واقف اند که سنگر گیری در عقب سپر انسانی و مدنی، مانع بزرگی برای پیروزی مخالفین محسوب میشود. قرار دادن انسان و مدنی به حیث سنگر دفاع از پوچ ترین و روسیاه ترین حاکمیت انحصاری، صرفاً برای قرار دادن دشمن در ناگزیری است که میتواند به مشابه بزرگترین عامل بدنامی جبهات ضد فاشیستی نیز تلقی گردد. واضح است که برای برون راندن مدافعان «پنجشیری سالاری»، باید جنگ را با جنگ جواب داد. حمله به فاشیسمی که در میان خانه ها و اجتماع انسانی سنگر گرفته باشد، هیچگاهی نمیتواند بدون تلفات برای مردم بیگناه و بدون تخریب شهری باشد که ملکیت یک ملت است. به همین علت است که میتوان سنگر گیری فاشیسم را میان جمعیت انسانی و شهر کابل بزرگترین خیانت این دستگاه غیر انسانی محسوب کرد. گروگان گرفتن یک شهر و باشنده گان آن، یگانه ناگزیری اخلاقی و دست و پاگیر برای جبهات مقاومت مردمی است. حیات فاشیسم مسعود، مدیون همین گروگان گیری بوده است. ●

(صفحه نو)

فاشیزم کابل در سه سال جنگ انحصاری خویش فاقد هرگونه پشتوانه مردمی بوده؛ ولی این خلأ را با سنگر گرفتن در عقب مردم پر کرده است. بی ماهیت بودن حاکمیت کنونی، روشن ترین امر است که تا سرحد مضحکه تاریخ سیاسی ملت پذیرفته شده است؛ ولی با تأسف که این مضحکه سیاسی برای تاریخ، بقایش در عقب یک شهر و انشانش به دست آمده است. امروز، موقف و جبهه گیری این دستگاه ترور و وحشت در عقب انسان و شهرش، بهتر از هر زمان دیگر هویدا شده است. باشنده گان و منازل پایتخت برای رژیم فاشیستی کابل به مشابه گروگانهایی تلقی میگردند که یکی به عنوان ارزش بشری و دیگری به عنوان ارزش مدنی یک ملت پذیرفته شده است. سنگر گرفتن در عقب این دو ارزش انسانی و مدنی، یگانه امکان و

مقا کابل سخنرانی محترم استاد خلیلی دبیر کل حزب وحدت اسلامی

در مراسم تجلیل از شهداء - یگانگی (قسمت سوم)

روابطه دوستانه ما با همه کشورهای اسلامی مستحکم و برقرار خواهد ماند و برای این رابطه حاضرم که حتی جان خود را فدا کنیم؛ ولی تحقیر و ترهین و جاسارت را به هیچ وجه قبول نمی کنیم، و لو این کار از سوی جمهوری اسلامی ایران هم باشد. صفحه ۲

تشیع دریاری،

از خیانت مذهبی تا برده گی سیاسی

آنچه که برای تشیع دریاری خار چشم بود و آن را کروکور و هارمی ساخت موجودیت رهبریت سیاسی هزاره در مقام تصمیم گیری های حیاتی برای حق و سرنوشت جامعه، هزاره بود که باید به هر وسیله، ممکن، نابود میگردید. صفحه ۳

نابودی در بطن انحصار است

نظامی که صرفاً مسعود تصمیم گیرنده و منحل داخلی و بین المللی آن باشد، این نظام هیچ عنصری همگام با خود باقی نخواهد ماند که به سرنوشت اسماعیل خان و شهر حکمروایی و شاهنش منجر نشود؛ چون انحصار، نابودی رادین خود میپوراند و شکست در هرات یا بدخشان و جای دیگر، تولد نابودی مطلق انحصار کابل است. صفحه ۳

اطلاعیه کانون فرهنگی رهبر شهید و شورای نویسندگان «امروزها»

کانون فرهنگی رهبر شهید با همکاری شورای نویسندگان «امروزها» به مناسبت اولین سالگرد شهادت پیشوای شهید مردم، «عبداللهی مزاری»، ویژه نامه بی را به نشر میرساند.

از عموم خوانران و برادران صمیمانه تقاضا به عمل می آید که اشعار، مقالات، خاطرات، طرح های ادبی- هنری، عکس و... خویش را به آدرس کانون فرهنگی رهبر شهید ویا اداره «امروزها» بفرستند. آدرس کانون فرهنگی:

1/9 - P.O. Box: 117
Islamabad- Pakistan

سخنرانی مشفق احمد خیل دیبر کل حزب وحدت اسلامی افغانستان به مناسبت تجلیل از شهداء - یکاولنگ

در جنگ فعلی بامیان و هزاره جات خیانت این عناصری که پیشتر اول دشمن شده اند، خیانتی است که نباید تاریخ آنرا فراموش کند

برای ما قابل توجه نبود که کسی که اندک وجدان و شعور ملی و مذهبی داشته باشد، پس از آن همه مصیبتی که بر سر مردم ما پیش آمد، باز هم بیاید و بالشکر کشی در منطقه، هزاره نشین، سپهسالار یک ارتش بیگانه و خونخوار شود.

عنوان دوست خود بپذیریم. آخر، این هلیکوپتر متعلق به کسانی بود که برای ریختن خود مردم ما از هیچ وسیله بی دریغ نکرده و هیچ راهی را طی نشده باقی نگذاشته بودند. با اینهم شورای مرکزی و مسئولین پنجاب به خاطر احترام به شورای عالی نظارت و شخصیت هایی که از خود ما بودند (آیت الله بهشتی، آیت الله صادقی، استاد حکیمی، استاد زاهدی...) از ایجاد تشنج جلوگیری کردیم و نخواستیم که این طیاره، با آنکه از دشمن مردم ما است و مردم ما را به آتش کشیده است، هدف قرار گیرد و نابود شود. به خاطر این مسأله اجازه دادیم که هیأت پیاده شود ولی حاضر نشدیم که مذاکره کنیم. ما معتقدیم که شورای مرکزی و حزب شما مردم، صرفاً برای دفاع از عزت و سربلندی شما مردم است و هر راهی را که به عزت و سربلندی شما منتهی شود، آن را می پذیریم و هر راه و هر موضوعی که مخالف این عزت و سربلندی باشد، رد نموده و به هیچ وجه آن را قبول نخواهیم کرد. این را برای شما مردم اطمینان میدهم که جز مصالح و منافع شما به هیچ راه دیگری راضی نخواهیم شد.

چیز دیگری را که در اینجا لازم است یاد آوری کنم، این است که در جنگ فعلی بامیان و هزاره جات خیانت این عناصری که پیشتر اول دشمن شده اند، خیانتی است که نباید تاریخ آنرا فراموش کند. اینجا که ادعا می کنند که خود شان مستقل اند و با اراده و خواست خود به اینجا لشکر کشیده اند، بی اساس است. بهترین دلیلی که در اینجا وجود دارد تانک هایی است که در جریان این جنگ به دست فرزندان شما مردم افتیده است و همه آرم های شورای نظار و اتحاد سیاف را با خود دارند. باور کنید که هر چه فکر می کردیم،

برای ما قابل توجه نبود که کسی که اندک وجدان و شعور ملی و مذهبی داشته باشد، پس از آن همه مصیبتی که بر سر مردم ما پیش آمد، باز هم بیاید و بالشکر کشی در منطقه، هزاره نشین، سپهسالار یک ارتش بیگانه و خونخوار شود. این کاری بود که اینجا کردند و تاریخ آن را به یاد خواهد داشت. شما مردم به خوبی میدانید و این در تاریخ گذشته هم اثبات شده که در جنگ رویاروی مردم ما هیچ وقت شکست نخورده اند. در غرب کابل هم در تمامی جنگهای شدیدی که مخالفین بر ما تحمیل می کردند، ما پیروز و موفق بودیم؛ ولی وقتی که از درون مردم ما افرادی را خریدند و از درون جامعه ما مزدورانی را پیدا کردند، آن وقت مردم ما را با شکست مواجه ساختند. فاجعه افشار در اثر همین خیانت و معامله گری پیش آمد؛ فاجعه بی که تا هزاره و شیعه باشد، آن را فراموش نخواهد کرد. بعداً فاجعه سقوط غرب کابل پیش آمد و شما می دانید که این فاجعه برای مردم ما چقدر ناگوار بود، اما این هم ذریعه همین خائنین تحمیل شده و فعلاً هم جنگ در هزاره جات توسط همین ها سازماندهی میشود. شما در آغاز این جنگ از رسانه های خبری شنیدید که با سقوط بامیان، جنگ در تمام هزاره جات پیش می آید، اما این هم واضح بود که شورای نظار و اتحاد سیاف جرأت چنین جنگی را نداشتند، آنها در سه سال مقاومت کابل شهادت و پایبندی مردم ما را دیده بودند و دیگر به هیچ وجه جرأت فیتراستند که در هزاره جات لشکر کشی کنند و توپ و تانک خود را به اینجا بکشانند. این شاهکاری مال کسانی است که از متن جامعه ما بوده و پیشتر اول و سپهسالار لشکر بیگانه شده و شما را از سرزمین تان بیرون کردند. این را تاریخ ثبت می کند. و این را هم ثبت می کند که دلیر مردان شما و فرزندان فداکار تان، شورای مرکزی بی که در اینجا هستند و در کنار مردم خود قرار گرفته اند، تصمیم گرفتند تا در مقابل این خائنین و حامیان کینه توز آن بایستند و گام به گام، قریه به قریه از حرم مردم خود دفاع کنند. اینها تعهد کردند و تصمیم گرفتند که از آخرین سنگر خود دفاع کنند و با مانند استاد شهید به خاک و خون بغلطند یا اینکه جلو سیل نیروهای بی رحم، خونخوار و بی شرم را می گیریم. این تعهد فرزندان تان بود و خدا هم یاری کرد که ما سپهسالار این امداد های غیبی و الهی هستیم. فاجعه بی که بعد از سقوط بامیان بر یکاولنگ حاکم شده بود، و وضعیت رقتباری که دامنگیر مردم شده بود، نمونه بی از آن فاجعه هایی بود که مردم ما در کابل سیری کرده بودند. نگرانی واضطراب مردم قلب هر کسی را می فشرد، اما باز هم لطف خدا بود که دوباره همه را استواری بخشید و جلو پیشروی دشمن گرفته شد. در طول این مدت هیأت های زیادی آمدند تا دامنه جنگ ها را تا

همین مقداری که بود، متوقف سازند؛ اولین بار حضرت آیت الله بهشتی اقدام کرد، ما در بامیان بودیم. هیأت را طلب کردیم و ویرایش تعهد کردیم که هر راهی را که جناب آیت الله بهشتی برای آرامی و بیاری از بین بردن جنگ و برادر کشی در هزاره جات پیشنهاد کند ما می پذیریم. برای ایشان صلاحیت جدی هم دادیم، خط ما فعلاً هم نزد آیت الله بهشتی و هم نزد شورای مرکزی موجود است. (ادامه دارد)

تانک شورای نظار در منطقه هزاره نشین بیاید، ولو ادعای آیت الهی هم داشته باشد، و آن جوان دیگری که از اول صبح تا آخر شب پشت سنگرش می نشیند و از شرف و عزت و ناموس مردمش دفاع میکند، هر دو را در نظر بگیرید، کدام یک محترم است؟ آن یکی افتخارش آن است که در کنار کسی ایستاده که به خون مردم تشنه است و این یکی خوش را در سنگری می ویزد که حیات و ناموس مردمش را حفاظت میکند، کدام یک ارجحند تر است؟ من برای آنها گفتم که ملاک، منافع و مصالح مردم ما و ملت افغانستان است، هر کس که مطابق مصالح و منافع این ملت کار کند و مدافع منافع آن باشد، برای ما ارزش دارد.

در همین راستا بود که وقتی کشور همسایه ما با درمیانی کرد، ما طرفدار ادامه کدورت نبودیم، به کسی بنای بی احترامی و اهانت هم نداشتیم و نداریم و این راهم میخوایم که با هر کس و هر کشوری روابط دوستانه داشته باشیم. ما فقط مواضع و خواسته های مردم خود را مطرح کردیم. این نکته ایست که جمهوری اسلامی ایران هم باید آن را درک کند. همین مردم مظلوم ما در هر نقطه بی از افغانستان به خاطر دوستی و روابط حسنه بی که با ایران داشته است، قربانی شده است. جنگهای کابل

ما همیشه از دوستی بی که بر مبنای صداقت و راستی باشد، حمایت و دفاع کرده ایم و هیچ داعیه بی هم جز این نداریم که دیگران باید برای احساسات و خواسته های برخی مردم ما ارزش و احترام قایل شوند.

هم اکثراً به خاطر همین روابط حسنه مردم ما با ایران، از طرف کشور های خارجی طرحریزی شده بود؛ این واقعیتی است که قابل انکار نیست. قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران هم علما و شخصیت های مبارز ما کتاب و نشریات آگاهی بخش مبارزین ایران را حمل می کردند. استاد شهید هم به همین ارتباط از سوی رژیم شاه و ساواک دستگیر و تحت بدترین شکنجه ها قرار گرفت. این ها مسائلی اند که وهیرو اسلامی ایران باید آن را درک کند. ما صریحاً اعلام میکنیم که به هیچ وجه طرفدار اختلاف، کشیده گی و کدورت نیستیم ولی این را هم تأکید میکنیم که رابطه ها باید بر اساس احترام متقابل باشند. ما همیشه از دوستی بی که بر مبنای صداقت و راستی باشد، حمایت و دفاع کرده ایم و هیچ داعیه بی هم جز این نداریم که دیگران باید برای احساسات و خواسته های برخی مردم ما ارزش و احترام قایل شوند. ما این انتظار را از جمهوری اسلامی ایران، انقلاب ایران و مردم ایران نداریم که بایکند به عنوان دوستی، مسأله بی را که خلاف خواسته ها و منافع ملت ما باشد، بر مردم ما تحمیل کنند. رابطه دوستانه ما با همه کشورهای اسلامی مستحکم و برقرار خواهد ماند و برای این رابطه حاضریم که حتی جان خود را فدا کنیم؛ ولی تحقیر و توهین و جسارت را به هیچ وجه قبول نمی کنیم. و لو این کار از سوی جمهوری اسلامی ایران هم باشد. به خاطر همین مسأله بود که ما مکرراً به دوستان ایرانی خود گفته بودیم که برای مردم ما قبول این امر مشکل است که هیأت شما از طریق کابل به سوی ما بیاید. ما چطور میتوانیم برای مردم خود توجیه کنیم که یک طیاره بمب افکن و جنگی دولت بیاید و بر سر شان مرگ و خون ببارد و خانه و کاشانه شان را گروستان شان سازد و طیاره های جنگی بیاید و هیأت ایرانی را در منطقه اش پیاده کند. این امر برای ما مشکل است.

راه دیگری هم که وجود داشت و ما آن را پیشنهاد کردیم، راه هزار و یا حتی هرات بود و گفتیم از طریق این مناطق هیأت خود را روان کند، اما آنها بدون کوچکترین اعتنایی به مردم ما و به خواسته های معتدل و مشروع آنها، سراز هلیکوپتر دولتی شده و به پنجاب آمدند. طبیعی بود که ما نمیتوانستیم در برابر این بی اعتنایی بی تفاوت باشیم و آنها را به

کسی که نماز شب بخواند، دارای ایمان مقدس باشد و رتبه «آیت الله» هم داشته باشد، اما در عین حال در کنار مسعود و سیاف نشسته و با نیروی خونخوار و متعصب آنان به هزاره جات لشکر کشی کند، دشمن مردم ما است، باید جلوش گرفته شود و ماهیت خصمانه اش افشاء شود.

مردم شریف یکاولنگ و دوستان عزیز، شما شاهد بوده اید که در طول این مدت تلفات زیادی، در هر منطقه و هر نقطه بی که تحمیل شده است، شورای مرکزی، شما را به حوصله و بردباری تشویق کرده و از نهایت خونسردی کار گرفته است، در غرب، بالای قرارگاه حزب وحدت، یک شب از ساعت نه الی ده شب عملیات و حمله کردند، فرزندان مردم ما که دفاع می کردند، از ما کسب دستور کردند، ما به آنها هدایت دادیم که حوصله کنند و دست به عمل پائیل نزنند، دست به تنگ نیند تا مسایل را از طریق مسوئیدان و بزرگان حل کنیم. راه پنجاب را بسته کردند، افرادی را که به کمک مردم ما می آمدند، دستگیر و مصلع سلاح کردند، ما در شورای مرکزی بحث کردیم و اعلام نمودیم که راه بسته کردن کار ساده است، هر کسی می تواند نقطه بی را نا امن کند و راه های مردم را کمین بزند ولی این به صلاح مردم ما نیست که ما در مقابل آن با خشونت عمل کنیم. در شورا گفته شد که اگر حتی آنها فعلاً راه ارتباطی ما را با سایر نقاط هزاره جات قطع کرده اند، مهم نیست، از راههای دیگر کوشیده شود که زمینه اکمال مردم خود را فراهم نماییم. راه بندانهای متقابل تنها نتیجه بی را که می تواند داشته باشد، ضربه زدن به مردم است؛ همین بود که

برای عده بی از برادران گفتم که بروند و با اختیار مطلق با این برادرانی که قصد راه گیری دارند، بنشینند و بگویند که عزیزان، همه ما و شما از این مردم هستیم، بیاید کاری نکنیم که خلاف مصالح مردم ما باشد، بیاید بنشینیم و مشکل را با تفاهم و با صحبت حل کنیم. برای حل این موضوع برای آیت الله بهشتی هم هیأت فرستادیم و پیام دادیم که تشنج موجود را به هر طریقی که می تواند حل کند، ما از مسئولین پنجاب هم متشکریم که با نهایت دور اندیشی کار کردند و سر انجام، مسایل را با نظر داشت منافع و مصالح مردم خود خافه دادند و از سرایت آن به سایر نقاط هزاره جات جلوگیری کردند.

و اما در باره شرایط و اوضاع عمومی کشور، خدمت شما عرض کنم که ملت ما فعلاً در مرحله حساسی قرار گرفته است. از یک طرف نیروهای «طالبان» با پیروزیهای چشمگیری در غرب افغانستان، اکنون به دروازه های کابل رسیده اند و از طرف دیگر دولت کابل درحالت سقوط، نابودی و از بین رفتن قرار گرفته است. در این حال موضع حزب وحدت اسلامی بر اساس مصالح و منافع مردم ما است. ما عزت و شرف مردم خود را یک اصل میدانیم. همانطوریکه مواضع استاد شهید نیز همیشه بر اساس منافع مردم ما بود و آنچه که این منافع را خدشه دار می ساخت، برایش پذیرفتنی نبود، ما هم در این راستا، و بر مبنای همین هدف و باور استوار هستیم. امروز بر خلاف پندار دشمنان، مردم ما یک نیروی قوی و تعیین کننده است و همانطوریکه در برابر جنگها و توطئه های دشمنان در طول سه سال، مقاومت و مقابله مردانه کرد و از خود ضعف و ناتوانی بروز نداد، فعلاً هم با متانت و شجاعت از سر بلندی خود دفاع میکنند. شما می بینید که فعلاً دشمن زبده ترین و برجسته ترین فرماندهان و نیروهای نظامی خود را به جنگ هزاره جات گسیل داشته است، اما برتری فرزندان شما علیرغم بی امکاناتی مطلق شان در همه صحنه ها مشهود است. نیروهای پیاده شما مجرب ترین و شجاع ترین نیرو است که حتی سلاحهای سنگین هوایی و زمینی دشمن را بی تأثیر ساخته است و من کاملاً امیدوارم که به زودی قوای مهاجم را از سرزمین خود بیرون نمایند. از نگاه موقعیت جغرافیایی هم شما در هرگونه تحولی که پیش بیاید نقش فعال و برجسته بی را خواهید داشت، بناً تقاضا و انتظار من از شما مردم این است که همچنان با فرزندان تان همکاری کنید و این را به صراحت اعلام میکنم که بدون همکاری شما فرزندان تان به مشکل مواجه خواهد شد و در آرمان هایی که دارند، موفق نخواهند شد. شورای مرکزی حزب وحدت در تحت هر شرایطی که باشد، صرفاً منافع و مصالح شما را ملاک عمل و موضعگیری خود خواهد داشت و همانطوریکه استاد شهید ما گفته بود، ما عاشق قیافه هیچکسی نیستیم، ما عاشق عزت و سربلندی مردم خود و مجموعه ملت افغانستان هستیم. ما از طرف شورای عالی نظارت و شورای مرکزی حزب وحدت اعلام میکنم که همچون سرباز و عسکری در خدمت آرمان مردم خویش خواهیم بود، ما با هیچ جمع، گروه یا شخص خاص، رابطه نداریم، ملاک ما منافع ملت افغانستان است هرکسی که مطابق مصالح و منافع این ملت کار کند و مدافع منافع آن باشد، برای ما ارزش دارد. این موضع ما و موضع ما موضع مردم ماست، این وضع مطابق باورهای ملی و اسلامی و مذهبی ماست و ما جداً باور داریم که اعتقادات اسلامی ما برای ما حکم میکند که از منافع و مصالح مردم خود عدول نکنیم؛ از این جهت است که من یک روز دیگر خدمت جمعی از دوستان یاد آوری کردم که کسی که نماز شب بخواند، دارای ایمان مقدس باشد و رتبه «آیت الله» هم داشته باشد، اما در عین حال در کنار مسعود و سیاف نشسته و با نیروی خونخوار و متعصب آنان به هزاره جات لشکر کشی کند، دشمن مردم ماست، باید جلوش گرفته شود و ماهیت خصمانه اش افشاء شود. این آدمی که راضی میشود با توپ و

ج. شهیدی

نابودی در بطن انحصار است

هستند، حافظ این نظام نیز محسوب میگردند.

تبیغاتی که در برابر اسماعیل خان صورت میگردد، دارای دو هدف است. اولاً باید سقوط هرات بیانگر ضعف و هویا کنند، پوسیده گی درون نظام مسعودی ها نباشد و از طرف دیگر، رقابتی موجود در میان گرداننده گان حاکمیت انحصاری باید به نتیجه، خویش امتداد و عبارت از گرفتن شخصیت رقیبان سیاسی کابل داران با برتری و قدرت است.

یک بخش این تبلیغات به جنبه های قناس میگردد که گویا سقوط هرات، نگر به سازش اسماعیل خان، نگر به علایق نژادی و صورت گرفته است و موصوفه از پشتونهای شیننده است (۱). این تبلیغات ماهیت اصیل حاکمان کابل را هویا میسازد که برای بقای حاکمیت باید به تصفیه، سازمانی خویش از لحاظ نژادی بپردازند، ورنه، بنا بر قیالات مشابه، این حاکمیت بازم ضربه پذیر خواهد بود. به عبارت دیگر، این بخش تبلیغات تائید کننده، باور های نژادی برای حفظ بقای حاکمیت تبعیض نژادی و منظوری نیز میباشد. این اقدام تدافعی را میتوان به گیر افتادن در باتلاقی تشبیه کرد که هر حرکت و تزلزل، جز فرورفتن، هرچه بیشتر، چیز دیگری نیست. گرایش نژادی برای حکمرانی سیاسی، جز باتلاق و مرگ، فرو رفتن تدریجی چیز دیگری بوده نمیتواند.

بخش دیگر این تبلیغات حاوی هدفی است که باید شخصیت سیاسی و اجتماعی اسماعیل خان را از وی بگیرد. این جنبه، تبلیغات همیشه در برگرفته، افواها، افتراها، بهتان ها و جعل شخصتهای دروغین برای شخص مورد نظر میباشد. یکی از جمله بهتانهای که توانست ذهنهای هواداران فاشیزم کابل را تسخیر کند، افترا فروش هرات به چهارصد هزار دالر امریکایی بود (۲). پاسخ به این تبلیغات فاشیزم در برابر صادق ترین همکار وی، این حرف را برای ملت واضح میسازد که فاشیزم ایمن و اعتقاد به هیچ اصل نداشته و برای حفظ بقای خویش به هر وسیله، خایانه، تبلیغاتی متوسل میشود.

افرا فروش مواضع دفاعی هرات و شیننده به چهارصد هزار دالر، زمانی افشا میگردد که نشریه «امید» برای بدنامی و نشان دادن چهره، واقعی «طالبان»، بیان میدارد: «علیه ما (طالبان) در حدود نود میلیارد افغانی و میلیونها اسعار خارجی بابت هرات را تاراج فرمودند» نشریه «امید» به دور بودن از متن حادثه و نقضی تبلیغاتی کابل، دست به شایعه میبزند که تبلیغ مؤثر آقایان مسعودی را بی مایه میسازد. وقتی اسماعیل خان، به عنوان اسیر زون جنوب غرب مطرح بود و صرفاً موصوف به اعضاء خویش میتوانست همه، دارایی بانک هرات را بپرون بکشد، پس چطور میتوان کرد شایعه، که مالک میلیارد ها افغانی و میلیونها اسعار خارجی بوده است، خود را و شخصیت و مقام خود را صرفاً به چهارصد هزار دالر فروخت؟! اگر شخصیتی اینقدر بی ایمان و بی تعهد شود که تمام سرنوشت اجتماع و مقام سیاسی و اجتماعی خویش را به پول بفروشد، آیا ممکن نبود که از آقای مسعود ملغی به مراتب بالا تر از تقاضا میگردد؟ وقتی مسعود، تبه رجحان را به بیشتر از صد هزار دالر بخرد، آیا هرات را حاضر نبود که به بیشتر از چند میلیون بخرد که حد اقل جان هزاران مدافع اصیل منطقه، خویش را نیز نجات میداد؟!

ملاحظه میگردد که این تبلیغات به هیچ صورت نمیتواند پوسیده گی نظامی را کسان نمایند که در آن افرادی مثل خیرال عظمی هرگز، بوده که با دنیای اعتقاد به مسایل نژادی و زمانی و منظوری افتخار حاکمیت بر شهر هرات و زون جنوب غرب را داشتند. سقوط هرات نمیتواند وابسته به اراده و سازش یک فرد باشد. سقوط هرات محصول حرکت و عملکرد نظامی است که هیچگونه اعتقاد به سرنوشت مردم نداشت و جز قیالات منظوری و نژادی، با هیچ معاری نمیتوانست حاکمیت خویش را ادامه دهد. تضاد ها و رقابتهای سیاسی میان کابل و هرات، تا زمانی نمیتوانست، وجود داشته باشد، که نیروهای رقابت کننده، قوی از لحاظ نظامی در برابر حاکم بر هرات به وجود نمی آمد. جنگهای فراسوی بیشتر از ۹ ماه در زون جنوب غرب و شمال غرب هرات و غرق قام نیروهای نظامی حاکمیت هرات را فرسوده ساخت، ارسال نیرو های خاص نظامی از کابل، بیانگر از کار افتاده گی ارتش اسماعیل خان بود. تاویلات «پنجشیری» و «هراتی» بعد از رسیدن ارتش کمکی در هرات بزرگترین عامل بیان کنند، سرباز رقابتهای سیاسی در درون ارتش مسعود و اسماعیل خان شد. با صراحت میتوان گفت که همان عاملی که اسماعیل خان را در هرات از پا درآورد، همان عامل بدخشان را از مسعود گرفت و همان عامل عنقریب حواله گردن آقای ربانی و یاران «مستم ملی» اش نیز میشود. نظامی که صرفاً مسعود تصمصم گیرنده و محل داخلی و بین المللی آن باشد، این نظام هیچ عنصری همگام با خود باقی نخواهد ماند که به سرنوشت اسماعیل خان و شهر حکمرانی و شایعش منجر نشود؛ چون انحصار، نابودی را در بطن خود میپروواند و شکست در هرات با بدخشان و جای دیگری، تولد نابودی مطلق انحصار کابل است. ●

هویت سازهایی تبلیغاتی برای توجیه سیاستها، جنایات، شکستها و موجودیت کنونی انحصار سیاسی در کشور، یکی از عمده ترین بخش جنگ حاکمیت کابل در برابر اقتدار ملت و رقیبان سیاسی آن بوده است. بی ماهیت بودن و بی پایه بودن اقتدای اختاپوتی یک گروه مسلح بر قلب سیاسی ملت و امید گسترش این حاکمیت به جانب ولایات کشور، به بزرگترین فعالیتهای تبلیغاتی و بدنام سازی نیروهای مقاومت در برابر میکانیزم نظامی مسعود، ضرورت داشت. این بود که روشنفکران بدون تعهد و پاسداران بغض آلود انحصار سیاسی، به زود ترین فرصت مجامع فرهنگی بی را تشکیل دادند و دست به بخش نشریات مختلفی زدند که از موضعهای مختلف، با سیاستهای گوناگون، شخصیت سیاسی و اعتبار ملی حاکمیتی را بلند کردند که آرمان روشنیستی هواداران آن، در فردای به قدرت رسیدن به فاشیزم سیاسی تبدیل شد.

تحلیل تبدیل شدن حاکمیت ربانی-مسعود به فاشیزم، بهترین زمینه برای درک نبودن روحیه هماهنگی اجتماعی و تحمل سیاسی اقتدار ملت در حاکمیت سیاسی، پنداشته میشود. چرا بهترین شعار ها و آرمانها برای عدالت سیاسی، بدون درنگ و حتی تفکر پیرامون هرات و معضله، سیاسی دیروز ملت، فراموش میگردند و روحیه برادری و برابری، به جای عدالت سیاسی و اجتماعی، به فاشیزم منتفی میشود؟ چرا وضعیت به گونه ای مسیر داده میشود که سرنوشت و آرمان یک اجتماع به اراده و تصمصم یک قهرمان جنگی گره میخورد که باغزو یک فاتح، تمام درایت سیاسی و تجارب تاریخی یک اجتماع را نخست به ابتذال کشانیده و بعد به نابودی سوق میدهد؟ رشد ملت گرای، بزرگترین فاجعه برای نظام سیاسی یک ملت است و در درون نظام انحصاری یک قشر ملت، سکتاریزم یا منطقه گرایی فاجعه، دیگریست که در زود ترین فرصت، عظمت ملی سیاسی و اجتماعی را به نظام یک تاز و فاشیستی بی تبدیل می نماید که جز قدرت و امتیاز یک اقلیت، هیچ معیار و ملاک دیگر نمیتواند مبنای عملکرد های سیاسی و اجتماعی حاکمان و صاحبان قدرت را تشکیل دهد. ملت گرای اگر به وجود آورنده، رقابت سیاسی کمر شکن در میان اقتدار یک ملت واحد است، سکتاریزم، بزرگترین عامل نقای سیاسی و مرعوبگرهای اجتماعی در روابط قشر حاکم بر نظام سیاسی یک ملت است.

فرآورد روحیه، عظمت ملی و انحصار و حاکمیت بر دیگران، جز نقای و فروپاشی روابط اجتماعی چیز دیگری بوده نمیتواند. این نقای هم در چوکات روابط اجتماعی یک ملت مطرح بود و هم روابط سیاسی و اجتماعی قشر حاکم را برهم میزند. خود بزرگ بینی ناسیونالیستی و سکتاریستی، یگانه معیار برای تصاحب قدرت و امتیاز به حساب می آید. رقابت در درون نظام سکتاریستی، در چوکات خود بزرگ بینی های قومی و محلی مطرح میگردد. قربانیابی قومی و قومی به عامل اساسی امتیاز و قدرت سیاسی و اجتماعی تبدیل میگردد. به همین خاطر است که تعداد بچه های کاکا و ماما و خاله و عمه، احمد شاه مسعود به تعداد باشندگان دره، پنجشیر میسرند! چون در نظامی که در رأس آن صرف مسعود به رب النوع سیاست و جنگ و تصمصم و شخصیت اجتماعی و ملی یک جامعه تبدیل شود، هر کسی که بتواند از قریه و قوم و فامیل «این شیر» و «قهرمان افسانوی» باشد، خود به خود «به سربازی تبدیل میشود که جنرال را سبلی میزند» و یا به کارمند بیسودی تبدیل میگردد که در یک ماه از چهار وزارت خانه معاش اخذ مینماید ولی در واقعیت به جز از وقت اخذ معاش، پایش در این وزارت خانه ها هم گذاشته نمیشود... و یا به فردی تبدیل میشود که وقتی در جاده راه میبرد ترقع دارد که خلق الله در برابر سر تعظیم فرود آورند و وقتی در دفتری داخل میشود و راه میبرد، باید زیر قدمهایش انسابت و شرف هرکارمند، به عنوان «خیر مقدم» وجودش نابود گردد. خود بزرگ بینی که از انحصار قدرت سیاسی ناشی میشود، افراد یک قشر خیلی ها کوچک اجتماعی را از لحاظ روانی تا سرحد مرضی خود بزرگ بین میسازد که فکر میکنند سرنوشت ملت و کشور وابسته به وجود و اراده و تصمصم آنهاست. بر مبنای همین اصل است که روحیه ناسازگاری و بی تفاوتی در درون نظام سکتاریستی رشد نموده و باعث تقویت عملکرد هایی میشود که امتیاز سیاسی یک قشر ملت را دوباره از آن میگردد. در نظام سکتاریستی، پنجشیری بودن، بدخشانی بودن و هرانی بودن و کابلی بودن و تخاری بودن به افتخار و وجهه و شخصیت اجتماعی تبدیل میشود. ملتی که تحمل آقایی یک ولسوالی را ندارد، باید به تعظیم برای حاکمان خویش با مقیاس ولایات و ولسالیهای شان فرود آورد!

سکتاریزم وقتی در بطن ناسیونالیزم رشد میکند، در باره به عاملی تبدیل میشود. که نطفه، هر یک نظام انحصاری را مساعد میسازد. برای انحصار نظام سیاسی برگی ان قشر ملت، باید یک ملیت به شکل یکپارچه عمل کند و به همین دلیل است که بعد از پیروزی بنا بر خاصیت و ماهیت تفکر انحصاری، ناسیونالیزم، بدیده، ضد خویش یعنی سکتاریزم را تولید میکند که تمام هیسته گی و هماهنگی عمل و مرعوبگرهای سیاسی پیشین را از بین میبرد و امتیازات خود محورهای منظوری به منظور، جاب نژادی غالب شده و در درون یک جهنم، جهنم دیگری به وجود می آید.

رقابت سیاسی برای امتیاز، همانطوریکه حقوق انسانی و اجتماعی اقتدار ملت را با انحصار حق سیاسی آنها نابود میکند، همانطور امتیاز قشر حاکم و ابتکار عمل و خرواست سیاسی قشرهای مختلف یک ملیت را نیز به نفع یک اقلیت از میان بر میدارد. این امر، زمینه ایجاد رقابتی را مساعد میسازد که سقوط هرات و بدخشان و دیگر مناطق به حادثه بی کاملاً طبیعی و منظوری تبدیل میگردد. ولی توجیه این سقوط از طریق قشر انحصار گر حاکم، باز هم صرفاً با تبلیغاتی صورت میگردد که از یکطرف هویت دروغین و بدنام کننده برای عاملان آنها ایجاد کند و از طرف دیگر، برای حفظ بقای باقیمانده گان، سخت ترین تنش ها، با تحریکات خارق العاده، احساسات منظوری و نژادی عملی گردد. میرهن است که تحریک احساسات منظوری، زبانی و نژادی اگر ایجاد کننده نظام انحصاری

تشیع درباری، خیانت مذهبی تا برده گی سیاسی

(رویش)

(۲۳ سنبله ۱۳۷۳: آغاز یک تاریخ)

در اوایل پیروزی مجاهدین عده کثیری از اعضاء شبکه، تشیع درباری در شورای تصمصم گیری حزب وحدت اسلامی شامل بودند که یکی از آنها جناب خجست الاسلام سید مرعوضی بود. وی در محافل روشنفکری غرب کابل آنچنان چهره، باز و مترقی به خود می گرفت که اکثر عناصر سرخویده از رژیم قبلی را با تابآوری مطلق مواجه ساخته و به سوی خود جلب میکرد. در آن زمان چهره، سیاسی سیدمرعوضی بر وجهه، مذهبی وی برجسته گی آشکاری داشت؛ چنانچه که در کاندید و انتخاب کردن عناصر متخصص و غیر جهادی برای پست های وزارت مربوط به حزب وحدت در زمان حضرت مجیدی، یکی از عمده ترین شخصیت های شورای تصمصم گیری بود که حتی در جلسه، عمومی فرماندندان و اعضاء حزب وحدت که در تالار علوم اجتماع به اعتراض بر علیه تصریبات شورای تصمصم گیری دایر شده بود، صحبت کردند و با دلایل و پراهن قلمی بخاطر شرایط کابل، ذهنیت های بین المللی و مواضع حزب وحدت، از تصریبات خویش دفاع نمودند و انتخاب وزرای متخصص و غیر جهادی را توجیه کردند. اما بعد ها خود از منتقدین این تصمصم شده و رهبر شهید را به استفاده واقعی و مسوومگیری غیر مذهبی متهم کرده، انتخاب وزرا را نیز محصول خردت ایشان قلمداد کردند. مضمون این مواضع مذهبی را رهبر شهید در صحبتی که پس از انتخاب ایشان به رهبری حزب در سال ۱۳۷۳ در حضور جمعی از اعضاء شورای مرکزی و موفیدان غرب کابل داشتند، این چنین شرح دادند:

«... در اوایل فتح کابل وقتی که ما آمدم، هشتاد نفر از اعضاء شورای مرکزی و شورای نظارت در اینجا جمع شده بودند که مکتبی به گروه های مختلف، سابق بودند. از آنطرف برادران مفت گانه، ما جلسه کرده و ما را از ساختار سیاسی کشور حذف کرده بودند و می گفتند که حرف شیعیه ها را بعداً میزنیم. از اینطرف، این دوستان ما، هشتاد نفر آمده و همه وزارتخانه میخواستند! یعنی پایین تر از وزارت قانع نبودند و همه می گفتند: «وزارت»! این یک مشکلی بود که اینجا پیش آمده و ما را با خود مواجه ساخته بود. بعد از توافق با آقای مجیدی، سه وزارتخانه برای ما در نظر گرفته شد که این سه وزارت به هیچ وجه قابل تقسیم بر نه حزب منحل نبود که همه حد اقل برای حزب منحل، خود یک وزارتخانه را تقاضا داشتند. مشکل ما در اینجا واقعاً مشکل بزرگی بود که بعداً ناگزیر شدیم عناصر بیطرف غیر حزبی را معرفی کنیم. جایش هم اینجا بود- حالا برادران هر چه میگویند و لطف می کنند، مربوط خوشان است- اما امروز تصمصم گروهی شان آنگذر زیاد بود که پیشنهاد مصوبه می اعضا شده که بیطرف های کابل به وزارتخانه معرفی میگردند، با گروههای منحل، سابق ارتباط نداشته باشند و حتی اگر فلان آقای کابل که به هم با فلان تنظیم ارتباط داشته است، آن را قبول نداشته باشد... به خاطر حساسیت اوضاع مجبور بودیم که از پاشیده گی حزب جلوگیری کنیم و بیاییم کسانی را که «متخصص و کاروان» هستند، در وزارتخانه های مربوط خود جابدهیم. حالا آقای محقق زاده تشریف دارند: در آن زمان ما در شورای تصمصم گیری پانزده نفر عضو داشتیم. از این جمله نه نفر به کسانی که کاندید شده بودند، رای موافق دادیم و بعد هم چهارده نفر این رای و مصوبه را امضا کردیم. جالب این است که این کاندید ها را من معرفی نکرده بودم، یعنی من کسان دیگری را معرفی کرده بودم که رای نیاوردند... اما متأسفانه پس از این رای گیری و مصوبه، وقتیکه از اطاق بیرون آمدند، هیچ کس گفت که ما رای داده ایم و بلکه اکثریت گفتند که فلانی بااستیاد رای می داشته، خودش تصمصم گرفته است!... و البته من هم چون رئیس شورای مرکزی و مسوول اجرای مصوبه بودم، پشت آن ایستادم. (۱)

جناب سیدمرعوضی نیز پس از داغ شدن جبهه، مخالفت با تعیین وزرای «متخصص و غیر جهادی» تغییر موضع داد و در گپو داری که نشانی کابل را فرا گرفته بود، نقش خود را در کاندید و تصمصم نمودن این وزرا کتمان کرد. وی بعد ها حتی برای خصوصیت سیاف با جامعه، هزاره نیز توجیه می کرد که «ما برای ما کمونیست ها اختلاف کرده و این کار وی نیروهای جهادی را آزرده و خشکین ساخته است! زمانی که فاجعه، افشا پیش آمد، وی این توجیه خود را برای عقده گشایی های فاشیستی مسعود نیز عنوان کرد که در نتیجه، آن باعکس العمل شدید مهاجرین فاشیست در ایران مواجه شد و...»

رهبر شهید، همچون رهبر متعهد به آرمان و سرنوشت اجتماعی مردم، در سیاست های استراتژیک خود عقده های کور تشیع درباری را در برابر جامعه و رهبریت سیاسی هزاره، ملاک و معیار قرار نمیداد و بر عکس می گوید با ارائه، دقیق ترین تصویر از جبهه بندی های موجود در کشور، صف متحد و یکپارچه، مردم را در محور آرمان و سرنوشت مشترک آنان تقویت کند. رهبر شهید از حربه های استحصاری تشیع درباری کاملاً آگاه بود و به خوبی میدانست که این عناصر، همچون غریوک های کرکی بی در اختیار حاکمیت و تشنه به خون هزاره، قرار دارند و به مقتضای خرواست و دستور آن، هر گونه وسیله ای را جهت تضعیف پیکر مجاهدین خود به کار می برند. رهبر شهید که شبکه، مزدور تشیع درباری را در جریان عمل، در تمامی چهره های آن شناسایی کرده بود، از عبق بیگانه گی آنها با خدا و مذهب آگاهی بود و میدانست که در عقب این روضه خوانی های مذهبی و نظاره به ایمان و تقوا و خدا، چه چهره های سیاه و فاقه ایمان سنگر گرفته اند و از روش های مذهبی چگونگی درباری مبتذل ترین خواست آنان قربانی میشود. (۲) در واقع آنچه که تشیع درباری، رهبر شهید را به خاطر آن مورد تمهت قرار میداد، از همه فایاتر و آشکار تر در چهره، برادران آن چسبیده بود. حاکمیت فاشیستی شورای نظارت فقط از لحاظ شکل ظاهری خود تغییر کرده و به اصطلاح از کمونیست ها به مسلمان ها انتقال یافته بود؛ اما در حقیقت جز تغییر سبیل و رنگ رده های پالای حاکمیت، هیچگونه تغییری در ساختار نظامی که از کمونیست ها باقیانده بود، به چشم نمی خورد. این مسأله را رهبر شهید در صحبت مفصلی که با جمعی از اساتید دانشگاه کابل در تابستان ۱۳۷۲ داشتند، بطور جالب و با استدلالی دقیق توضیح دادند. ایشان گفتند: «مشکل جامعه، ما این است که هیچکس ناخن انتقاد را به طرف خود متوجه نمی سازد. دیگران را متهم کردن کار آسان است، اما هنر این است که خود ما از آن اتهام مبرا باشیم. همه اکنون یکدیگر را می گویند که فلانی با کمونیست ها و عناصر رژیم گذشته اشتغال کرده، اما هیچکس نمیگوید که خودش چرا قبل تر از دیگران چنین کاری را کرده است. اما اگر مسأله بر سر قریب خود با فریب مردم نباشد، باید بر سر کسی کنیم که کدام گروه جهادی واقعاً به آرمان جهادی خود پاینده مانده و هیچ فردی از کمونیست ها را به پا نرود نگرفته است. همین حالا رژیم آقای ربانی که همه را متهم به صدها مسأله می کند، خودش با رژیم دکتر نجیب چقدر فرق دارد! آیا جز اسم دولت اسلامی، بقیه، دستگاه این رژیم همه از رژیم سابق نیستند؟ گذشته از آن آیا لازمه، هر تغییر حکومت و قدرت این است که عناصر مربوط به رژیم قبلی یکسر نابود شوند؟ ما آن آقای ربانی و هیچکس دیگر را ملات می کنیم که چهره عناصر متخصص و کاروان را نگرفته اند و در خدمت خود گرفته اند، اما از دیگران هم این انتظار را نداریم که بپایند ما را به چیزی متهم کنند که خودشان هم به آن مبتلاند. در جریان همین صحبت، رهبر شهید عناصر متخصص و فنی را سرمايه، کشور دانسته گفتند: «اگر ما امروز بیاییم و این عناصر را به جرم همکاری با رژیم گذشته- که حالا بهر صورت ساقط شده است- در کنیم، در واقع استعداد ما و سرمایه های مردم خود را هدر ساخته ایم.»

استفاده تشیع درباری از حربه، اتهامات غیر مذهبی، صرفاً تحریک احساسات مذهبی مردم به نفع حاکمیت فاشیستی بود. این شبکه، هزاره ستیز از شکست خطرات دفاعی غرب کابل بیم نداشت و از تسلط شدن سیاف و حاکمیت «تشنه به خون هزاره» بر جان و ناموس مردم نیز بی غمراهی؛ چون خود قریب در خط آنها قرار داشت و برای حفظ مقام آقای ربانی اش از طریق کشتار و قتل عام جامعه، هزاره، تلاش میکرد؛ اما آنچه که برای تشیع درباری قرار چشم بود و آن را کر و کور و هر هار می ساخت موجودیت و رهبریت سیاسی هزاره در مقام تصمصم گیری های حیاتی حق و سرنوشت جامعه، هزاره بود. که باید به هر وسیله، ممکن، نابود میگردد. در یک کلام تبلیغات تشیع درباری برای دفاع از مذهب و اصول جاودان آن برای راهی جامعه و انسان، نبوده، بلکه برای افسردن رهبر شهید قرار گرفت و در شورای تصمصم گیری و نظارت افشا، صرف کرد.

(۱) صحبت و بهریمی رهبر شهید در روز انتخابات سال ۱۳۷۳

(۲) پس از اولین جنگ ویداری فاشیزم با جامعه، هزاره، وقتی که سبیلی مرکز به تصرف نیروهای حزب وحدت اسلامی در آمد، شورای تصمصم گیری و شورای عالی نظارت تصمصم کردند که حق خارج ساختن اموال سیلور را ندارد و باید از بیجا شدن آنها جلو گیری شود. اما صرفاً چند روزی گذشت که آیت الله سیاهپا حسن فاضل، عضو شورای عالی نظارت برای خروشتی چند فرقه نظامی، برای آنها فنواری رسمی با مهر و امضایش تقدیم کرد که می توانند آره ها و گنیمت های سیلور را خارج نمایند و مطابق دعوای خود مصرف کنند. این فتوا بلا فاصله در اختیار رهبر شهید قرار گرفت و در شورای تصمصم گیری و نظارت افشا، شدا.

(۱) امید- شماره ۲۱، سال ۲۰، سنبله ۱۳۷۴، ص ۳، ستون سوم

(۲) اینجا هیچ هدفی برای تیره اسماعیل خان مطرح نیست، صرفاً نشاناندن تاکتیکها و اهداف تبلیغاتی فاشیزم کابل است که در برابر هر جبهه، مقاومت به کار گرفته شده اند.

(۳) همان سال، ۳، ستون ۳

شماره دوم / صفحه ۲

اعلامیه، حزب وحدت اسلامی خطاب به ملت افغانستان

برادران و خواهران مقیم کشور و اقلیت در غربت
حزب وحدت اسلامی افغانستان کاملاً ناظر وضعیت نظامی و سیاسی کشور بوده و در هر گام خویش منافع سیاسی و اجتماعی ملت زجر کشیده افغانستان را در نظر دارد. وضعیت موجود نظامی، بدون شک به تغییر وضعیت سیاسی خواهد انجامید که این تغییر تأثیر مستقیم خویش را بر موضعگیری های سیاسی و نظامی آینده هر قشر ملت خواهد گذاشت. با تأسف که دستان خارجی و مزدوران حلقه به گوش آن، بعد از مواجه شدن به شکست بیشترین تلاش خویش را با تحریک مسایل نژادی و مذهبی به راه انداخته اند. تحریکات ملیتی، قومی و مذهبی از جانب هرجناح و مرجعی که باشد صرفاً برای انحراف ذهن ها از تشکیل حاکمیت سیاسی عادلانه برای تمام اقشار ملت است. با آگاهی از این امر و برای هدف انسانی و عدالت سیاسی در کشور، از شما برادران و خواهران توقع به عمل می آید که در هر گام خویش، مطابق به منافع سیاسی و اجتماعی مردم خویش عمل قیامید و نگذارید که با تحریک احساسات تان، کسانی جبهات نظامی خویش را تقویت نمایند که بزرگترین بخش خونریزی اجتماعی را بر جامعه تان تحمیل کرده اند. حزب وحدت اسلامی افغانستان معتقد است که هیچ گروهی به تنهایی عدالت سیاسی را در کشور به وجود نیاورده و افتخار این امر بزرگ را در تاریخ سیاسی کشور، صرفاً حضور تمام اقشار و ملیتهای ساکن در کشور میتواند نصیب شود. بناء شما برادران و خواهران، با حضور آگاهانه تان در جامعه، هیچگاهی منافع گروهی این یا آن گروه را مد نظر نداشته و صرفاً با معیار منافع ملی و وحدت ملی واقعی در کشور موضعگیری سیاسی و اجتماعی داشته باشید، تا به هدف عدالت سیاسی خویش در کشور نایل آیم.

و من الله التوفیق
حزب وحدت اسلامی افغانستان
بامیان ۱۳۷۴/۸/۲

کابل بار دتخلیه کیدو په حال کېس دی

دکابل نه دراغلو عینی شاهدانو دوتنوا مطابق کابل ښاریانو په کابل باندی یو دروند جنگ حتمی پللی دی شکه نو دښارونه دوتلو لوی زیاته چټکه شوی ده او هر څوک چی صرف دکابل نه دوتلو دپاره دکرانی ورکولو توان لری، خوندي او محفوظو ځایونونه جری جوی روان دی او دروندو را کټونو د مرگوتو تاراکونو څخه ځانونه ژغوری. عینی شاهدان وانی چی زیات شمیر ښاریان مشرقی ولایاتو او پاکستان ته مخه کړی ده، خو یو شمیرنی بیا دځینو تعلقاتو په وجه شمالی او جنوبی برخو پروان او لوگر ته هم چی.

دکابل نه دراغلو کسانو ویناده چی داوخت په کابل کېنی دجنگ ددوام او چنکی زگانلونو سره سره دکابل اقتصادی کلانندی او دخوراکی او استهلاکی شیانو دقیمتونو لوړوالی هم زیاتی کورنی دولری او اقتصادی مشکلاتو سره مخامخ کړی دی. اکثره مامورین د دکانداری او خرڅولو په کار بوخت شوی دی او عامو بیکارانوته د مزدوری کارونه نه پیدا کیږی، لکه نو د فزیکي جنگونو په نسبت کابلپان اقتصادی تنگی زیات وارخطا کړی دی. او دکابل پریښودنه یی مجبوره کړی دی. عینی شاهدان زیاتوی چی کابل فاشیستی حکومت په خپلو تبلیغاتی چینلونو کېنی خلکو ته دخیر خیریت دادگپنه ورکوی او دخپلی ځواکمنی مظاهره کوی خو هیڅوک ورباندی باور نه کوی او فرارته په قرار ترجیع ورکوی.

(دصفحه نو خبریال)

از گشایش دفتر تشیع دریاری در کویته به عمل آمد

* محترم نجیب، معاون این دفتر و جمعی از همفکران او برعلیه توطئه های تشیع دریاری اعلامیه دادند.

طی اعلامیه یی که به تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۲ مطابق با ۱۳۷۴/۷/۲۰ در شهر کویته پاکستان به نشر رسید، محترم نجیب و جمعی از همفکران وی با اعلام برانیت از توطئه های ضد ملی تشیع دریاری، از این شبکه جاسوسی- مذهبی هزاره ستیز را شدیداً عامل خیانت در جامعه هزاره دانسته و تلاش آن را در جهت ایجاد چند پارچه گی در جامعه هزاره محکیم نموده اند.

به گزارش خبرنگار «صفحه نو» از کویته، محترم نجیب که به تازه گی از طرف شبکه تشیع دریاری به عنوان معاون دفتری که میخواستند درکویته فعال سازند، منصوب شده بود، با انتشار اعلامیه یی، از همکاری با تشیع دریاری امتناع ورزیده و تلاش جمهوری اسلامی ایران را در این زمینه مورد نکویش قرار داده است. در قسمتی از اعلامیه آمده است: «جالب اینجاست که جمهوری اسلامی چنگیز پهلوان نیز مثل همیشه دویارا در یک موزه کرده است که یکبار دیگر دو پارچه گی را بر این جامعه تحمیل کند و از هماهنگ کردن عدد ای با تشیع دریاری دم میزند...» و در ختم این اعلامیه محترم نجیب و همفکران وی خطاب به مردم کویته می نویسند: «به هوش باشید که تشیع دریاری حتی در خانه شما کویته، میخواهد با همدستی حامیان خارجی و دولت ربانی برای دشمنان قسم خورده، شما خوش خدمتی و به شما خیانت کند، جراب دندان شکن شما به کسانی که آرزو دارند روزی انتقام محرومیت هزاره را از آنها بگیرند، پادزهر این زذالتهای بیشمار تشیع دریار و حامیان خارجی و همزاد آنهاست.»

خبرنگار ما در ختم گزارش خود می نویسد: تشیع دریاری برای مسموم ساختن فضای کویته، از دیرگامی تلاش می کرد تا دفترش را در این شهر باز کند، ولی هر بار با حساسیت شدید مردم مواجه شده و از عملی کردن خواسته خود باز میماند. وی می افزاید: امتناع محترم نجیب از همکاری با تشیع دریاری، آخرین امید این شبکه جهنی را با یأس مواجه ساخته است.

لازم به یادآوری است که بودهجه دفترمذکور که درخداست محترم نجیب و همفکرانش قرارگرفته بود برای کمک به مستحقین وآواره گان کابل مصادره گردیده است.

با کشته شدن شیخ ناظر و سز علی و دستگیری بابه ابراهیم

شبکه تشیع دریاری آخرین مهره های نظامی خویش را از دست داد

* مناطق شیخ علی، لولنج و ترکمن آرامش و صمیمیت خویش را باز یافتند.

* مردم فوزندگان مدافع خویش را با شادمانی در آغوش کشیدند.

* صفوف یکپارچه و متحد مردم، در خطوط دفاعی «کتار خاک» جا به جا شدند.

در جریان عملیات پاکسازی هزاره جات از وجود نیروهای مزدور دشمن، شیخ ناظر رئیس ارکان فرقه تشیع دریاری مربوط شبکه اکبری، و سیزعلی قوماندان معروف و سرسپرده سیدانوری به قتل رسیده و بابه ابراهیم یکی دیگر از قوماندانان مشهور سید انوری با ۳۵ نفر از افراد نظامی اش دستگیر شدند.

به گزارش خبرنگار نظامی صفحه نو از ترکمن، در این عملیات که مردم آگاه و بپا خاسته دره، ترکمن، شیخ علی ولولنج به یاری بیدریخ فرزندان مدافع خویش شناخته بودند، تمام پایگاه هایی که به عنوان مرکز نفوذ و خیانت شبکه تشیع دریاری مورد استفاده قرار می گرفتند، با مقادیر زیادی امکانات و تجهیزات نظامی به تصرف نیروهای ضد فاشیستی در آمد. طبق این گزارش، مردم شریف مناطق متذکره با سرور و شادمانی از مرفتیت فرزندان مدافع خویش استقبال کرده، آنان را در آغوش میکشیدند و همگام بانیهوای ضد فاشیستی، درخطوط مقدم جبهه جا بجا میشدند.

طرفدار جنگ نبوده اید. فعلاً آقای ربانی اعلام کرده که پیشنهادات آقای محمود مستیری نماینده سازمان ملل را قبول دارد. شما نظر تان در این زمینه چه است؟

استاد خلیلی: گرچه ما درجریان نظریات دقیق ایشان نستیم ولی تا آنجاییکه ما در گذشته هم از آقای استاد ربانی شناخت داشتیم و داریم، ایشان همیشه در شرایطی که در تنگنا قرار میگرفتند، همچو وعده هایی را میدهند، ولی به محض آنکه یکمقدار شرایط برایشان خیرتر میشود، از زیر بار آن شانه خالی میکنند. ما باز هم ببینیم و امید وار هستیم که ایشان دراین فشار های اخیر که از طرف حزب وحدت و بانای مخالفین پیش آمده، راضی شوند که قضایای رقت آور افغانستان از طریق تفاهم به طور مسالمت آمیز حل شود و مردم افغانستان از وضعیت فعلی جنگی نجات پیدا کنند.

محترم مولوی تره خیل، د «صفحه نو» د خبریال سره په مرکه کې:

د سولې د تامین ناشونی او ناممكن دی، دوی دسوچه اسلامی حکومت دجوړولو په نوم دافغانانو سره ټکی او ډوکه کړې ده.

دتره خیلو مولوی وویل چی ددی پروگرام دعملی کولو په مقصد، استاد ربانی او انجنیر حکمتیار څخه هم لیکي تمهونه اخستل شوی وو چی متأسفانه عمل ورباندی ونشو.

ده وویل اوس چی دافغانستان جنگی او اختلاقی صورت حال دپرسوب وروستی مرحلی ته رسیدلی دی او دنظامی مقابلې نه پرته په سیاسی خبرو ونشو، نن دی که سبا، استاد ربانی او مسعود به دملت د مقاومت په نتیجه کېنی د قدرت نه لری کیژی او حق په حدتار نه سپارل کیږی.

دتره خیلو مولوی دمحمود مستیری حتی او مندی ترپی ناکامی و پللی او وی ویل څخه به وکړی چی دطالبانو اسلامی تحریک او دهماهنکی شورا ترمنځ دیو والی په ټینګولو سره دکابل دستور ته وروسته دقیادت دټاکلو او دحکومت دجوړولو په چارو کېنی ټولو افغانانو، هندو دی او که مسلمان، برخه ورکړی شی او دغه حق ورنه هیڅوک نشی اخستلی. ده وویل هماغسی چی ماپخوا هم خپلی شرعی فیصلی وخت په وخت اعلان کړی دی، اوس هم زما خبره هماغه ده او هغه داچی ترڅو دجنگونو او اختلاقونو قهرمانان او دسوچه اسلامی حکومت دجوړولو مدعیان دسیاسی ډگر څخه ونه وځی، سخته ده چی ملت ته خپله دسرنوشت ټاکلو په برخه کېنی موقع په لاس ورشی.

ده زیاته کړه دهر تنظیم مشردخپل ځان او خپلی ډلی د منفعت دپاره توپ او تریک ته لاس تیر کړی دی او په ګڼ ملیتی هېواد کېنی نی په اسلامی او افغانی روایاتو خاوری اړولی دی او دملی وحدت دتأمین خبره نی شاته غورځولی ده.

مولوی ترخیل دکابل دحکومت په قابضانو غږ وکړ چی دملت او ملیتونو په دواندی دنایجایزی مقابلې نه تیری او دوسی پاڅون په مقابل کېنی دی ددپته زیات دجنگ ټپلی مسلمان ملت دومره دتیرولو سبب نشی.

دغه مطلب مشهور عالم شیخ الحدیث دتره خیلو مولوی د«صفحه نو» داخصاصی خبریال سره په یوه مرکه کېنی څرګند کړ. دیوی پوښتنی په ځواب کېنی چی تر څو پوری به جنگونه او اختلاقونه وی او ولی دواحد قیادت دټاکلو دپاره دملت په حقوقو څپته اچول شوی ده؟

مولوی ترخیل وویل: زمونږ جهادی مشران چی دبهرنیو پیسو په زور شهرت او قدرت ته رسیدلی دی، اوس نی داسلامی حکومت دجوړولو په پلمه ټول ملت په پرغمل نیولی دی، په تیره بیا استاد ربانی او احمدشاه مسعود خوبه تیرو دری کلونو کېنی عملاً ونیوده چی دڅوارلس کلن وسله وال جهاد په خلاف نی دیو ګوند او یو «تولی» حکومت دتړینو او راکتونو په زور قبضه کړی او دتول ملت په حق نی ناجایزه قبضه کړی او دکابل نه نی کرېلا جوړه کړی ده.

ده وویل: دکویته په مشورتی جرګه کېنی چی دملګرو ملتر دخاص استازی محمود مستیری دنگرانی لاندی جوړه شوی وه، غوڅی مشوری غوټه شوی وی نه یوازی ښاغلی مستیری دخپل قلمرونه پشی واپړولی او ټاکلی پروگرام نی عملی نکړی شو، بلکه دکابل واکمنو چی دافتدادر داوودولو چلونه نی پکار اچولی دی دسرا، ری حکومت دجوړولو ټول ملی پروگرامونه سبوتاژ کړل.

ده زیاته کړه په دی پروگرام کېنی چی مونږ افغانانو محمود مستیری ته ورکړی وو، په هغی د دزیندی، په دزیندی باندی دنظارت، د قدرت انتقال او امنیتي څلور کمیسیونونو دجوړولو په طرحی موافقه شوی وه.

قول اردوی حزب وحدت اسلامی لست تجهیزات و امکانات به جامانده از جبهه فاشیستی را منتشر کرد

قول اردوی حزب وحدت اسلامی افغانستان، پس از تصفیه کامل هزاره جات از نیروهای فاشیستی و عمال تشیع دریاری، لست مقادیر اسلحه و تجهیزات نظامی و لوژیستیکی بی را که از دشمن برجای مانده است، منتشر نمود تا «خبرنگاران نظامی» صفحه نو» از مرکز ولایت بامیان و ترکمن، متن این گزارش را قرار ذیل ارسال داشته اند:

۳- پانچ جراتو بزرګ مولد برق
۱- دستگاه سیلوی سیار با تمامی وسایل ولوازم آن
۳- ضرب توپ ۷۵ میلی متری
۸- ضرب توپ دی. سی.
۱- دستگاه ورکشاپ فعال تخنیکي با لوازم یدکی آن
۹- چین تانک غول پیکر T62
۵- چین تانک محاربه شیلکا
۷- پایه زیو - دفاع هوای
۱۳- پایه هاوان ۸۰ میلیمتری
۳۵- قبضه راکت RPG7
۶- دستگاه BM21 - ۴ دستگاه BM12
۷- چین تانک BMP - ۱۲ پایه زیکویک
۱۵- میل پیکا - ۳ پایه اګه ایس
۲۵- ضرب توپ ۸۲ - انبار فراوان تیل
- صد ها میل کلاشینکوف
- چندین انبار مواد غذایی از قبیل آرد،

بقیه مصاحبه استاد خلیلی...

جلو تر برویم. ما بارها گفته ایم که طرفدار جنگ نبوده ایم؛ مناطقی که مربوط مردم ما بود، آنها را آزاد کردیم و از این مناطق دفاع میکنیم و در موقع لازم تصمیم دیگری خواهیم گرفت.
B.B.C: شما، آقای خلیلی، همیشه گفته اید که